

گفت‌وگویی صبا با منوچهر هادی کارگردان فیلم سینمایی «حدود ۸ صبح»

دغدغه اصلی من در فیلمسازی



بروز یک اشتباه و تصمیم‌گیری از سر خشم گاهی می‌تواند فاجعه بار باشد. منوچهر هادی در فیلم جدیدش به سراغ چنین تمی رفته است. هادی نمونه موفق فیلمسازی غریزی مثل مسعود کیمیایی است و کارهای متنوعی همچون بازیگری، دستیاری کارگردان و تدارکات را در سینما انجام داده و با بدنه و ذات تلویزیونی و سینما آشنا است. فیلمسازی که قصه‌ساز خوبی است و آن را برای مخاطب درست تعریف می‌کند کاری که خیلی از کارگردان‌های مدعی از انجامش عاجز هستند. از ساخته‌های او می‌توان به «تلاطم»، «آخرین روز ماه»، «تصادف»، «فرصت‌های فردا»، «قرنطینه»، «یکی می‌خواهد باهات حرف بزنه»، «کارگر ساده نیاز مندیم»، «خدا حافظ بچه»، «من سالوادور نیستم»، «نیسان آبی» و... اشاره کرد. خبرنگار صبا با منوچهر هادی درباره سینمای اش و فیلم «حدود ۸ صبح» که هم‌اکنون روی پرده سینماها است گفت‌وگویی انجام داده که در ادامه می‌خوانید.

با نگاهی اجمالی به موفقیت بسی چون و چرا فیلم‌های کمدی در اکران این یکی دو ساله، آیا این چالش را نداشتید که فیلم «حدود ۸ صبح» مورد استقبال مخاطب قرار نگیرد؟

به عنوان فیلمسازی که چند فیلم موفق به لحاظ گیشه در سینما ساخته‌ام و مردم دوستشان داشته‌اند اغلب سفارشات کاری که از سوی تهیه‌کننده و سرمایه‌گذاران انجام می‌شود در حوزه ژانر کمدی است. خود فیلمساز باید باهوش باشد و حواسش به این مسئله جلب شود که فقط در یک ژانر فیلم و سریال نسازد. سلیقه و دغدغه اصلی من در فیلمسازی سینمای اجتماعی است و برای کسب درآمد بیشتر فیلم و سریال کمدی می‌سازم. بهر حال اینکه پیشنهاد کار دارم نشان می‌دهد گزینه قابل اعتمادی برای تهیه‌کنندگان هستم. نکته مهم دیگری که برایم مهم است مخاطب جدی سینما که صرفاً برای خنده سینما نمی‌رود من را فراموش نکند و به نظر یک فیلمساز باید توازن بین سینمای مخاطب و سینمای جدی ایجاد کند.

خیلی از فیلمسازان در دوران کاری خود فقط در یک ژانر فیلمسازی می‌کنند...

این دوستان شاید دغدغه مالی ندارند و بنا به هر دلیلی مثل ارث رسیدن و یا محبوبیت بین بخش دولتی سینما می‌توانند هر چه دوست دارند فیلم بسازند و خیلی تلاشی نمی‌کنند که کار متفاوت انجام بدهند. برنامه‌شان روال است و سالی یکبار تهیه‌کننده دولتی از آنها حمایت می‌کند تا اثر مورد نظرشان را بسازند. با پول بخش خصوصی نمی‌شود به سراغ سینمای شخصی و دلی رفت. این برنامه ریزی را دارم که هر چند سال یکبار بعد از ساخت دو-سه فیلم کمدی یک اثر اجتماعی بسازم.

در فیلم‌های اجتماعی شما بروز حادثه‌های مثل تصادف در یکی می‌خواهد باهات حرف بزنه و یا پیامک‌های اشتباهی گوشی همراه در حدود ۸ صبح درام را به وجود می‌آورند...

در حدود ۸ صبح هم قتل رخ می‌دهد و تم مرگ عنصر جذابی برای خلق درام است و یک اتفاق است. کسی که کشته می‌شود و آدم‌هایی که درگیر این قتل می‌شوند موقعیت و واکنش‌های جذاب و دراماتیک دارد. بهر حال پرداختن به هر موضوعی امکان‌پذیر نیست و محدودیت‌هایی وجود دارد و نمی‌شود در ایران به سراغ خیلی از موضوعات رفت و به محض اینکه این کار را انجام بدهیم آن صنف مربوطه دست به اعتراض می‌زند. بخش دیگر قضیه ارتقاء درام توسط فیلمساز است و مرگ هم در این زمینه کمک خوبی می‌کند. البته از قبل طراحی نمی‌کنم که حتماً در فیلم‌هایم در گونه اجتماعی مرگی و قتل وجود داشته باشد.

بعد از سال‌ها بازیگری در فیلم خودتان و در نقش امیر بازی کردید. چگونه این کار انجام شد؟

شاید در ابتدا که وارد سینما شدم دغدغه بازیگری داشتم. از موقعی که رفتم سراغ کارگردانی لذت خلق اثر اولویت بیشتری نسبت به بازیگری پیدا کرد. در مورد بازی‌ام در حدود ۸ صبح به چند بازیگر نقش امیر را پیشنهاد دادم. اما یکی‌شان درگیر پروژه دیگری بود و دو نفر دیگر چون حجم نقش کم بود قبولش نکردند و یکتا ناصر پیشنهاد داد خودم نقش را بازی کنم و البته چون این نقش کوتاه‌ام در عین حال تاثیرگذار در شروع درام بود اگر درست بازی نمی‌شد به فیلم لطمه می‌زد تلاش کردم کار را درست را انجام بدهم. نکته مهم پارتی روی این نقش یکتا ناصر بود که طی سالها زندگی شناخت کاملی از هم داشتیم و کمک زیادی کرد که نقش امیر درست از کار دربیاید. در مجموع خیلی اتفاقی پیش آمد که نقش امیر را بازی کنم و برنامه از قبل طراحی شده‌ای نبود.

یکی از مسائلی که به خصوص خانواده‌ها را تحت تاثیر قرار داده فضای مجازی است و در حدود ۸ صبح هم یک پیامک در درام ساز می‌شود...

پیامی به اشتباه برای گوشی دریا ارسال می‌شود. آن‌ها بیش از دو دهه است که استفاده از پیامک رواج دارد و مثل فضای مجازی چیز نویی نیست و باید توجه داشت تکنولوژی با زندگی مردم عجین شده است و اصلاً نمی‌شود در این جامعه بدون موبایل زندگی کرد. این تکنولوژی اثرات مخربی دارد و خیلی از زندگی‌ها را از هم پاشانده است و در مقابل باعث آشنایی و پیوند خیلی‌ها شده و ضمن داشتن نقاط منفی نقطه مثبت هم دارد و ارتباطات را تسهیل کرده است. مهم نوع استفاده از هر پدیده‌ای است.

ریشه شکاک بودن امیر به گذشته‌اش مرتبط است؟

این نقش را خودم بازی کردم و آن چیزی که برایم مهم بود این است که زندگی باید بر اساس اعتماد شکل بگیرد. در زندگی که شک و تردید وجود داشته باشد زندگی به روال و شیرین نخواهد بود. البته هر کسی باید از زندگی‌اش مراقبت کند و با مدیریت و تفاهم مانع از چالش بشود. اگر چنین اتفاقی در زندگی رخ داد باید با تعقل با آن برخورد کرد و برخورد عجلانه و قضاوت زود هنگام به راحتی می‌تواند منجر به مرگ و قتل بشود. یاد می‌آید در محله‌های قدیمی و پایین شهری که خودم تجربه زیست در آنها را دارم شبی ماشینی جلوی درب خانه‌ای پارک کرده بوده و مرد صاحبخانه موقعی که معطل می‌شود و نمی‌تواند ماشینش را به درون خانه ببرد. بعد از آمدن صاحب ماشین با بالا گرفتن دعوا کار به زدو خورد کشید و یکی از طرفین

خیلی راحت به قتل رسید. بنابراین چیزی که ما در فیلم نشان می‌دهیم ما به ازای واقعی دارد و خیلی راحت در یک نزاع، آدمی به قتل می‌رسد و از این بابت نقد برخی از دوستان را نا به جامی دانم. مگر حتماً باید در یک جنگ بزرگ مثل جنگ غزه درگیری باشد که منجر به قتل بشود. در هر نزاع امکان قتل وجود دارد. البته که معتقد هستم همه چیز را می‌توان با صبوری مدیریت کرد.

چقدر از تجربیات زیست خودتان در ایفای نقش امیر استفاده کردید؟

البته درام داستان فیلم بر اساس تخیل شکل گرفته است. خود من هم از خانواده و محله‌ای سنتی و مذهبی هستم و البته خانواده‌ام در عین سنتی بودن روشنفکر و با فرهنگ هستند. به ریشه و گذشته‌ها که بر سیم در محله‌های ما تعصبات این نوعی وجود داشته که خوشبختانه آن‌ها با توجه به رشد فرهنگی مردم و افزایش سطح تحصیلات خیلی کم رنگ شده است. امیر هم به واسطه تعصب و غیرتش دچار این وضعیت می‌شود. اما اگر کمی با فکر و سنجیده‌تر عمل می‌کرد می‌توانست خیلی راحت اوضاع را مدیریت کند. برای من مهم بود در این فیلم تلنگری بزنم که همه چیز با فکر و آرامش و برخورد درست خوب می‌شود و خشونت مخرب است.

آیا از ابتدا هم به همین پایان بندی فکر کرده بودید و یا پایان بندی‌های دیگری را مد نظر داشتید...

تمام سکانس‌ها با دقت در فیلمنامه نوشته و فیلمبرداری شد. تغییراتی از قبل از پروانه ساخت توسط شورای پروانه ساخت اعلام شد که با درست کردنشان طبق فیلمنامه کار کردیم. در ورسون اول